

فرهنگ و زندگی روزمره زنان کندلوس

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

کد مقاله: ۱۰۸۱۴

فرهود جلالی^۱، سهیلا مهدی زاده^۲

چکیده

هدف از این مقاله بررسی مردم‌نگارانه زندگی روزمره زنان در دهکده کندلوس در فصل زمستان است. علت انتخاب این موضوع علاوه بر علاقمندی، به شناخت هرچه بیشتر نگارنده به زادگاه خود ثبت و ضبط بخشی از میراث فرهنگی و کهن زندگی مردمان بومیه زنان این دیار است. جامعه آماری فصل زمستان را انتخاب نمودیم که علیرغم همه تحولات هنوز بسیاری از رفتارهای فرهنگی دیروز را می‌توان در زندگی جمعیت بومی زمستان نشین مشاهده کرد. جمعیت دایمی و بومی حدود ۵ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهد در این مطالعه فعالیت‌های مختلف زنان اعم از خانه‌داری و کار در منزل، کارهای کشاورزی و دامپروری، کارهای خدماتی، مدیریت خانه، اوقات فراغت و همچنین زنان در سنین مختلف اعم از مجرد و متاهل مورد بررسی قرار گرفت که علیرغم تحولات فراوان، هنوز تا حدودی زندگی روستایی در آن متبلور است. گرچه توصیف زندگی روزمره در ابتدا جالب به نظر نمی‌رسد و به نظر غیرعادی و غیرمترقبه می‌رسد اما زندگی زنان روستایی که به شدت تحت تاثیر جهان مدرن قرار گرفته و تغییرات فراوانی در نقش‌های آنان ایجاد شده است خواندنی و شنیدنی است همان‌طور که جورج سیمل به این نکته اشاره کرد که حتی پیش‌پا افتاده‌ترین پیامدهای زندگی مفاهیمی از نظم گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. چرا که در عین اینکه بسیار معمولی و ساده به نظر می‌رسد اما در عمل ظرایف و نکات بسیار مهمی برای مطالعه مردم‌شناختی در متن و درون آن نهفته است. چرا که همه انسانها از زندگی روزمره برخوردارند و زندگی روزمره مهم‌تر از آن چیزی است که ما تصور می‌کنیم. در روش این مطالعه ابتدا با پرسشنامه‌ای که از قبل تهیه گردید با مشورت و همکاری برخی از آگاهان تعدادی از زنان از جامعه آماری انتخاب گردیدند سپس توسط یک پرسشگر زن بر اساس روش مصاحبه گفتگوها ثبت شد و سپس با آشنایی که نگارنده از جامعه مورد مطالعه داشته اطلاعات استخراج و تجزیه و تحلیل گردید. به عبارتی روش مصاحبه و مشاهده مشارکتی بوده است که اگر آشنایی محقق با محیط نبوده، جمع‌آوری اطلاعات با مشکلات بیشتری مواجه می‌گردید.

واژگان کلیدی: زنان، روزمره، کندلوس، خانه‌دار، اوقات فراغت

۱- دانشجوی دکتری مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲- پژوهشگر علوم اجتماعی، Soheilamehdizadeh88@gmail.com

در جامعه سنتی ایران در کمتر از یک قرن پیش زنان به ندرت در مکانهای عمومی ظاهر می شدند و در صورت ضرورت حضور یک مرد با آنها لازم بود. زنان فقط در مکانهای شخصی یا مکانهایی که اصولاً از وجود مرد عاری بود (مسجد، حمام و ...) می توانستند آزادانه حاضر شوند. از طرفی زن در خانواده روستایی و نقش آن با جامعه شهری متفاوت بود. زن در خانواده روستایی وظایف خانوادگی و تولیدی را با هم انجام می داد یعنی مانند سایر زنان، زوجه، مادر و خانه دار بود ولی در عین حال نقش تولیدکننده را نیز دارد (وثوقی ۱۳۹۱: ۶۳). کار زیاد و طاقت فرسای زنان روستایی همواره مورد توجه محققان و ناظران و نویسندگان بود علیرغم اینکه در بسیاری موارد افزونی کار زنان بر مردان تایید شده است اما زن همواره دارای موقعیت اجتماعی بسیار نازلتری از مرد بوده و این وضع نه تنها در ایران بلکه در کشورهای اروپایی نیز مصداق داشته است. نقش زنان روستاهای مناطق شمالی ایران در کشاورزی و دامپروری یکی از شواهد بارزی است که اهمیت زن را در بهره برداری زراعی آشکار می کند. در بعضی مناطق زنان فقط در مزرعه و خانه به فعالیت نمی پردازند بلکه بخشی از فعالیت های تجاری را نیز انجام می دهند. فروش تولیدات لبنی خانگی، تولیدات حاصل از طیور و حیوانات اهلی، تولیدات حاصل از صنایع دستی (قالی، گلیم، جاجیم، حصیر و ...) و حتی بعضی از محصولات درختی و صیفی و حتی فروش در بازارهای هفتگی و حتی روزانه از جمله کارهای زنان روستایی است.

در این طرح علاوه بر شناخت زندگی روزمره زنان، می توان به زوایای پنهان فرهنگی، اعم از نقش زنان، نقش دین و اقتصاد در زندگی آنان و و نگرشها و باورها در زندگی زنان روستایی پی برد.

پیدایش شهرنشینی نه تنها مناسبات بین زن و مرد بلکه بسیاری از دیگر مسایل و موارد انسان را دگرگون ساخته است. تفاوت در سبک زندگی انسانها در شهرها و روستاها در عصر جدید بسیار قابل لمس می باشد. همانطور که بنت اندی می گوید فرهنگ اصطلاح بسیار چند معنا کثرت گرایانه و تجزیه شده ای است که طیفی از برنامه های هویتی را دربر می گیرد. که رفته رفته تمایز یافته تر می شوند لذا تاثیر و نفوذ عناصر محلی با آثار و نتایج عواملی که از بیرون سرچشمه می گیرند به مصالحه می رسد بنابراین برای افرادی که در این عصر مدرنیته پسین زندگی می کنند هویت در نسبت با مراجع متفاوت گوناگون ساخته می شود که بعضی در بسترهای فرهنگی محلی ریشه دارند و بعضی هم از صنایع فرهنگی و رسانه های جهانی گرفته می شوند. حال با توجه به این همسویی و هم گرایی امر محلی و امر جهانی، زندگی روزمره اقلیمی است که به صورت فرهنگی برساخته می شود. و مشحون از چالش و منازعه است (اندی ۱۳۸۶: ۳۴). ایران در طول سده اخیر درگیر برخورد هویت سنتی پیشین و عناصر وارداتی مدرنیته غربی شد. ایران جدید نه کاملاً سنتی است و نه تماماً مدرن بلکه جامعه ای با هویت بحرانی است سبک زندگی طیف کامل فعالیت هایی است که افراد در زندگی روزمره انجام می دهند. سبک زندگی زنان در جامعه روستایی که در دوره معاصر بویژه در یکی دو دهه اخیر دستخوش تحول و دگرگونی گردیده است باعث تغییرات عمده سبک زندگی روستاییان شده است. به عبارتی از نظر هائری لفور فیلسوف و جامعه شناس هم عصر رولان بارت مشخصه های زندگی روزمره در عصر جدید، مصرف گرایی و از خودبیگانگی است که اینچنین جامعه ای را در تمامیت خود جامعه ای تروریست می نامد (لاجوردی ۱۳۸۴: ۱۳۳). جامعه روستایی که مهمترین شاخصه آن تولید بوده و زن و مرد دوش به دوش هم در همه عرصه های زندگی و کار و تلاش می کردند و یا در برخی امور در شمال ایران زنان بیش از مردان به کارهای مختلف اشتغال داشتند. در سایه توسعه مدرنیته از یک سو و توسعه زیرساخت هایی چون برق و تلفن و جاده و به تبع آن وسایل ارتباط جمعی و رسانه های مختلف از جمله ماهواره و موبایل به شدت فرهنگ زندگی روزمره را تغییر داده است و با توجه به تغییرات اساسی در مشاغل و سبک زندگی زنان روستایی زندگی روزمره آنان به شدت نسبت به گذشته تغییر کرده است مساله اصلی این است که زندگی روزمره زنان در جامعه روستایی که هنوز بخشی از هویت سنتی خود را دارد و معیشت آن با جامعه شهری متفاوت است به چه شکلی است؟ اوقات فراغت زنان در این جوامع چگونه است؟ و به طور کلی پاسخ به پرسش هایی مختلف زندگی روزمره زنان مساله اصلی این تحقیق است.

کندلوس که از سال ۱۳۶۶ با ساختن موزه مردم شناسی و مجموعه تفریحی، راه مسافران داخلی و خارجی به عنوان گردشگر در آن باز شده است نسبت به سایر روستاهای منطقه دچار تحولات و تغییرات فرهنگی بیشتر و زودتر گردیده است. نگارنده در سال ۱۳۷۱ مطالعه ای در قالب مونوگرافی دهکده کندلوس انجام داده است که آنچه امروز مشاهده می شود بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ و زندگی مردم تغییر اساسی کرده و به سرعت در حال فراموشی است. یکی از این تحولات اساسی فرهنگ زندگی روزمره زنان است که در فصل تابستان قابل مشاهده است. از آنجا که ۵ درصد از جمعیت کندلوس به دلایل مختلف هنوز در تمام فصول در روستا زندگی می کنند و بیشتر جمعیت را زنان و دختران سالخورده تشکیل می دهند بخشی از فرهنگ زندگی زنان علیرغم همه تحولات هنوز رنگ و بوی سنت های کهن دیروزی را می دهد. یکی از اهداف مهم این مطالعه بررسی این تحولات و ثبت و ضبط این بخش از فرهنگی است که به سرعت در حال تحول و دگرگونی است و متأسفانه علیرغم اینکه کندلوس افراد تحصیلکرده و دانشگاهی فراوانی نیز دارد اما به همان دلایلی پیش گفته تحقیقات فرهنگ مردم همچون خود دانش بومی غریب و مهجور است و طی این سه دهه مطالعه ای جدی پیرامون فرهنگ و زندگی مردم انجام نگرفت؛ نگارنده بر اساس علاقه شخصی به بررسی این مطالعه پرداخته است که خود انجام تحقیق بخاطر همان آسیب های فرهنگی بسیار مشکل بود زنان از ضبط صدای خودداری می کردند که این امر ناشی از عدم توجه محققان مختلف در گذشته بوده است اما با همکاری خانم ها نعیمه جلالی و ماهرخ شیخ

الاسلامی که از نزدیک پرسشگریها را انجام داده اند ضمن سپاس از ایشان این مشکل مرتفع گردید. جا داشت از ۳۱ نفر جامعه آماری بتوان به جای نمونه گیری تمام شمار انجام داد اما به دلایل مختلف از جمله عدم توجه محققان و خبرنگاران و مستندسازان در انتشار نوشته ها و عکس ها و فیلم ها متناسب با فرهنگ روستا امکان تهیه فیلم و ضبط مصاحبه ها با زنان و دختران روستا را با مشکل مواجه کرده بود لذا از میان کل جامعه زنان ده نفر را به فراخور نوع کار و سن و شغل انتخاب نموده و براساس پرسش از آنان توسط یک خانم و نوشتن پاسخ اطلاعات لازم جمع آوری گردید. از آنجا که نگارنده به طور کلی علاوه بر زندگی در فصل تابستان با زوایای مختلف زندگی مردم آشنایی داشته، توانسته بر اساس اطلاعات جمع آوری شده به استخراج آن مبادرت نماید و خوشبختانه این بخش از زندگی زنان ثبت و ضبط گردید.

۲- چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

یکی از نظریه های مهم انسانشناسی در قرن بیستم کارکردگرایی است. کارکردگرایی همچون اشاعه گرایی یکی از نظریاتی بود که در واکنش به تطورگرایی بوجود آمد. دو مفهوم مهم در کارکردگرایی عبارتند از اصل جامعیت (کل گرایی) و اصل سودمندی. منظور از اصل جامعیت آن است که هر پدیده اجتماعی به عنوان "جزئی" در نظر گرفته شود که درون یک "محیط" کل قرار می گیرد و در رابطه با این کل تحلیل شود. جزء و کل بودن مفاهیمی نسبی هستند به این معنی که اغلب پدیده ها در یک سطح، کل و در سطح دیگری جزء به شمار می آیند. به عبارتی اولاً در بررسی هر پدیده باید به همان اندازه به مشخصات آن پدیده توجه داشت که به مشخصات کلیتی که آن پدیده درونش جای گرفته است و مشخصات اجزایی که آن پدیده را ساخته اند. ثانیاً این که در تحلیل پدیده های اجتماعی، لزوماً نیاز به تحلیل پویا وجود دارد زیرا پدیده ها دائماً از سطحی به سطح دیگر در حرکت و نوسان هستند و نمی توان واقعا پدیده ای را صرفاً در یک سطح (جزء یا کل) در نظر گرفت. در این اصل چندین نوع رابطه به وجود می آید که همه ترکیب ها را می توانند میان اجزاء با یکدیگر و با کل به وجود بیاورند. منظور از اصل سودمندی آن است که هر پدیده اجتماعی باید دارای نوعی تاثیرگذاری باشد و به نوعی نیاز در جامعه ای که در آن به وجود آمده است، پاسخ گوید. اصل سودمندی پاسخی به این سوال است: هر چیزی به چه کار می آید؟ و فرض بر آن است که هر چیزی که وجود دارد باید به کاری هم بیاید که این اصل را "ضرورت کارکردی" می نامند. به طور کلی کارکردگرایی عبارت است از بررسی هر عمل اجتماعی یا هر نهاد با توجه به رابطه ای که با تمامی کالبد اجتماعی دارد. به عبارت دیگر عمل یا نهاد وقتی به روشنی شناخته می شود که مناسبت و سهم و "کارایی" آن در قبال سایر اعمال و نهادهای جامعه مشخص شود (فکوهی ۱۳۹۷: ۷۶).

از اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم نظریه پردازان اجتماعی و فرهنگی کم کم زندگی روزمره را به عنوان حوزه ای بسیار پویاتر و پرمنازعه تر مفهوم پردازی کرده اند بر این اساس دیگر نمی توان زندگی روزمره را به صورت کلیتی متجانس و همگون توصیف کرد بلکه برعکس باید زندگی روزمره را حیطه ای بسیار کثرت گرا و پرمنازعه دانست.

از نظر مکتب فرانکفورت امکان هایی که رسانه ها برای دستکاری عقاید و افکار توده ها به وجود می آورند به راستی تهدید آمیز است چون همکاری میان رسانه ها و تولیدکنندگان کالاهای مصرفی روز به روز افزایش می یابد زندگی روزمره زیر کوبش بی رحم و منظم امواج بی پایان تبلیغات تجاری، غرق می شود و به این ترتیب بت سازی تمام عیار از فراغت و تفریح، تامين و تضمین می شود در نتیجه کنترل همه گیر و همه جایی تبدیل به منطبق سرمایه داری می شد که نه در محل کار بلکه در حریم زندگی خانوادگی و فراغت نیز مرکزیت داشت و بقول استیونسن "کارایی و اثربخشی صنعت فرهنگ نه با یک ایدئولوژی فریبکار که با پاک کردن بدیل های سرمایه داری از آگاهی توده ها تامين و تضمین می شود (اندی ۱۳۸۶)" یا به اصطلاح هابرماس "زیست جهان" از بیخ و بن با فرایندهای رسانه ای شدن شکل می گرفت در نتیجه سرشت همه جایی و همه شمول رسانه ها هیچ راهی برای شکل گیری و بالیدن تفکر انتقادی یا کنش انتقادی برای افراد باز نمی ماند. آرزوها و امیال افراد چنان سخت کنترل می شود که زیست جهان به دست نظام سرمایه داری کنترل کننده ی آن عقلانی می شود اما توده ها از این کنترل یکسره بی خبر می مانند تاثیر نهایی این استعمار زیست جهان به گفته ی هابرماس اضمحلال توانایی تفکر انتقادی و کنش جمعی افراد است. این وضعیت منجر به گسستن نظام از زیست جهان می شود. وقتی قدرت برخورد انتقادی و سازنده افراد با دانش و اطلاعاتی که از بالا دریافت می کنند به یغما می رود آنان به صورتی منفعل و منزوی در زیست جهان به سر می برند و از نظر مکتب فرانکفورت در آن واحد موجب استثمار اقتصادی و ایدئولوژیک توده ها می شود که این نظریات توسط نظریه پردازان دیگری همچون هلر، لوفور، مک دونالد و سوئینگ وود پذیرفته شده است اما لوفور برخلاف مکتب فرانکفورت افراد را محکوم به زندگی در زیست جهان برکنده از نظام سرمایه داری حاکم بر آن نمی پندارد. در عوض او معتقد است که افراد ظرفیت و توانایی عاملیت خود را حفظ می کنند و نهایتاً می توانند از طریق طرد وانکار باز نمود کاذب زندگی روزمره که صنایع فرهنگی سرمایه داری اخیر آن را عرضه می کنند موجب تغییر اجتماعی شوند (قضاوت انتقادی) (اندی ۱۳۸۶).

در حوزه زندگی روزمره، آثار و تحقیقات فراوانی منتشر شده است؛ اما پیرامون فرهنگ و زندگی روزمره مردمان بویژه زنان کندلوس مطالعه ای صورت نگرفته است اما آثاری که به طور کلی در حوزه زندگی روزمره منتشر شده است عبارتند از فرهنگ و زندگی روزمره از دیوید انگلیس ترجمه جانان نجفی و علی باصری کتاب فرهنگ و زندگی روزمره اثر اندی بنت ترجمه حسن

چاوشیان و لیلا جوافشانی کتاب مصرف و زندگی روزمره اثر مارک پاترسون ترجمه جمال محمدی و نرگس ایمانی کتاب زندگی روزمره در ایران مدرن با تامل بر سینمای ایران از خانم هاله لاجوردی، زندگی روزمره تهی دستان شهری از علیرضا صادقی کتاب زندگی روزمره در سایه استالینیسیم، (امید صبا) اثر شیلا فیتنر پاتریک ترجمه نگین نوریان دهکردی، زندگی روزمره در شهرهای جهانی اثر یورگ دورشمیت ترجمه علیرضا مردانی و سیاوش قلی پور، زندگی روزمره و فرهنگ دیداری از حسین حسینی جامعه‌شناسی کاربردی در زندگی روزمره از زیگموند باومن-تیم می ترجمه راضیه خزایی، جنسیت در زندگی روزمره از ماری هولمز ترجمه محمدمهدی لیبی نمود خود در زندگی روزمره از ارونیگ کافمن ترجمه مسعود کیانپور و مقالات فراوانی از اندیشمندان مختلف داخلی و خارجی پیرامون فرهنگ و زندگی روزمره به نگارش درآمده است اما پیرامون زندگی زنان به صورت مستقل کتابی منتشر نشده است اما مقالات فراوانی پیرامون زندگی زنان شمال ایران در نشریات و فصلنامه‌ها منتشر شده است در دو اثر مهم کتاب گیلان و دانشنامه‌های مازندران به طور مستقل به زندگی زنان پرداخته‌اند. دو کتاب با مضامین فرهنگ عامه و مونوگرافی پیرامون زندگی مردمان روستای کندلوس وجود دارد از جمله کتاب کندلوس از علی اصغر جهانگیری که در سال ۱۳۶۶ منتشر گردید و پایان نامه نگارنده در مقطع لیسانس در سال ۱۳۷۱ که در حال حاضر در دانشکده علوم اجتماعی تهران نگهداری می‌شود.

۳- روش‌شناسی تحقیق

به منظور بررسی پرسش‌های این پژوهش در رویکردی توصیفی با استفاده از روش مردم‌نگارانه از تکنیک‌های مشاهده مشارکتی و غیرمشارکتی و مصاحبه و گفتگو با برخی از زنان در طبقات و سنین مختلف و یادداشت‌های میدانی و همچنین آشنایی با فرهنگ زندگی جامعه مورد مطالعه با استفاده از اسناد متنی و غیرمتنی برای جمع‌آوری داده‌ها حول محور اصلی این پژوهش استفاده شد. از آنجا که نگارنده در ایام نوجوانی و جوانی در دهکده مذکور زندگی دائم داشته و در سال ۱۳۷۱ مطالعه‌ای را با عنوان مونوگرافی دهکده کندلوس انجام داده است شناخت نسبتاً جامع از فرهنگ و زندگی روزمره آن دیار دارد. گرچه مطالعه در جامعه روستایی بویژه در حوزه زنان با مشکلاتی مواجه است اما بومی و محلی بودن محقق در این زمینه کمک شایانی می‌نماید. مردم‌نگاری مستلزم مشاهده زندگی مردم در محیط طبیعی و زندگی روزمره آنهاست در مشاهده فعالیت‌های روزمره با مردم به منظور کشف معنی تفسیرها براساس معنی‌چرایی و چگونگی فعالیت‌های اجتماعی مردم انجام می‌شود. تکنیک‌های مرسوم جمع‌آوری در روش‌شناسی مردم‌نگاری عمدتاً مصاحبه، مشاهده و یادداشت‌های میدانی هستند. سارانتاکوس در توصیف روش‌شناسی مردم‌نگاری از سه عنصر ساخت، هدف و روش نام می‌برد. بازگشایی این سه عنصر می‌تواند به هویت‌یابی روش‌شناختی مردم‌نگاری کمک کند (جنگ ۱۳۹۵: ۲۷۴). روش‌هایی که در تحقیق مردم‌نگاری مورد استفاده قرار می‌گیرند توصیفی یا انتقادی هستند. روش‌های توصیفی معمولاً در مردم‌نگاری و روش انتقادی در مردم‌شناختی (قوم‌شناختی) استفاده می‌شوند. هدف آن می‌تواند توصیف، تبیین و دسته‌بندی رویدادها باشد. روش‌های رایج و مرسوم عبارتند از: مردم‌نگاری میدانی و تحقیق مردم‌نگاری تاریخی. مردم‌نگاری میدانی به دنبال جمع‌آوری داده‌ها از طریق مشاهده مشارکتی و مصاحبه است. البته محقق با مورد مطالعه زندگی می‌کند و در میدان تحقیق درگیر است. در تحقیق مردم‌نگاری تاریخی جمع‌آوری داده‌ها متکی بر مطالعه اسناد مانند نظریات شخصی، تاریخ‌های زندگی، یادداشت‌های روزانه، نامه‌های شخصی و گزارش‌های مربوط به گروه‌هاست. (ایمان ۱۳۸۱ به نقل از عباس جنگ)

در این بررسی که نمونه‌گیری هدفمند بوده است مبتنی بر اهداف مرتبط و مصاحبه حضوری و تلفنی با حدود سی درصد از مخاطبین کل جامعه آماری یعنی ده نفر از زنان کندلوس انجام گرفته است. ضمن آنکه با توجه به شناخت نگارنده علاوه بر مصاحبه، زندگی روزمره زنان مورد مشاهده قرار گرفته و در فیش‌ها ثبت گردید. گرچه انتخاب همین تعداد با توجه به اینکه بسیاری از زنان حاضر به مصاحبه نشده‌اند، کار بس دشواری بود اما در هر حال زندگی روزمره زنان و توصیف زندگی آنان از صبحدم تا شب هنگام اعم از کار در خانه و بیرون اوقات فراغت پوشش و مدیریت بدن، مصارف فرهنگی و مصارف ارتباطی و مجازی جایگاه و منزلت اجتماعی اعم از زنان مجرد و متأهل جوان و میانسال و پیر از جمله موضوعات مورد بررسی در این مطالعه است.

۴- تحلیل یافته‌ها

در این بررسی از ده نفر جامعه نمونه زنان انتخاب گردیدند که عبارتند از زن کاملاً خانه‌دار خوش‌نشین دارای همسر، دو نفر- زن خانه‌دار و مالدار دو نفر- زن شاغل، دو نفر- پیرزن خانه‌دار یک نفر- دخترانی که با مادرشان زندگی می‌کنند ۳ نفر- سپس اطلاعات جمع‌آوری شده ضمن کدگذاری بر اساس مصاحبه‌های انجام شده در شش بعد ۱- کار در منزل ۲- کار در بیرون از منزل اعم از دامداری و خدماتی و کشاورزی ۳- اوقات فراغت ۴- مصارف فرهنگی ۵- پوشش و مدیریت بدن ۶- مصرف ارتباطی بر اساس منابع محلی و غیر محلی اقدام شد. در این شش بعد زندگی روزمره در ساحت مجموعه‌های مصرفی روزمره انجام شد سپس الگوهای مصرفی برحسب نسبت محلی و غیر محلی در محدوده خاص‌گرایی فرهنگی و عام‌گرایی فرهنگی به صورت توصیفی مطرح شدند. متأسفانه بنا به محدودیت‌های مطالعاتی در روستاها به معرفی مصاحبه‌شوندگان و افراد نمونه از ذکر نام

خودداری گردید و از آنجا که امکان پر کردن پرسشنامه توسط آنها بنا به محدودیت های ذکر شده مشکل بود، پرسشنامه توسط یک زن باسواد تکمیل گردید و براساس پاسخ ها و مشاهدات زندگی روزمره این بخش انجام شد.

بر اساس مکتب کارکردگرایی که به طور کلی بر دو مفهوم اصل جامعیت و اصل سودمندی استوار است. در جامعه کندلوس در نهاد خانواده، زن کارکردهای فراوانی از قبیل اقتصادی، اجتماعی، مدیریت، هنر، زیباشناختی و ... دارد. مهمترین کارکرد زن در خانه از ابتدا نقش همسر در نظام خویشاوندی و ازدواج است. کارکرد بعدی علاوه بر مدیریت خانه و مادربودن، کارکرد تولیدی اوست. کارکرد تولیدی چه در مقام مادر و تشکیل خانواده، چه در اقتصاد خانواده کارکرد بسزایی است. سهم او در پرورش دام، تهیه علوفه، تبدیل فرآورده های لبنی، تهیه لباس از محصولات دامی، صنایع دستی و بافندگی از مهمترین کارکردهای آشکار در بخش تولیدی است. کارکردهای پنهان او بخشیدن انرژی گرم و مهربانی در ساختار خانواده، تلطیف امور، مشاوره های مدیریتی به مردان و استمرار نسل و حفظ آداب و رسوم و فرهنگ هاست.

علاوه بر مرحله تولید، در سه حوزه کاشت، داشت و برداشت، کارکردهای زنان به خوبی مشهود است. وقتی مرد یا با گاو یا تراکتور به شخم زدن زمین می پردازد، تهیه و درست کردن غذا و آوردن آن بر سر زمین، هماهنگی و نگهداری بذر و سایر کمک های مرحله کاشت، نشان از کارکرد مهم زنان است که در مرحله داشت و برداشت هم این کارکردها نمایان است. در مرحله توزیع نیز وقتی یک زن محصولات دامی را به فرورده های دیگری تبدیل می کند و به بازار عرضه می کند و مبادله ها به عهده ایشان است، همه و همه نشان از کارکرد اصل جامعیت و اصل سودمندی زنان در نظام خانواده و زندگی روزمره است. چنان این کارکردها مشهود است که در باور مردم کندلوس خانه بدون زن معنی نمی دهد و می گوید خانه ای که زن در آن نیست گویی چراغ آن خانه خاموش است (جلالی ۱۳۷۱) و این مهمترین ضرورت کارکردی زنان در خانواده است.

از نظر مکتب فرانکفورت امکانهایی که رسانه ها برای دستکاری عقاید و افکار توده ها به وجود می آورند به راستی تهدید آمیز است چون همکاری میان رسانه ها و تولیدکنندگان کالاهای مصرفی روز به روز افزایش می یابد. زندگی روزمره زیر کوبش بی رحم و منظم امواج بی پایان تبلیغات تجاری غرق می شود که به این ترتیب بت سازی تمام عیار از فراغت و تفریح تامین و تضمین می شود در نتیجه کنترل همه گیر و همه جایی تبدیل به منطق سرمایه داری می شود (اندی ۱۳۸۶) که در جامعه مورد بررسی با ورود رسانه ها به ویژه تلویزیون علاوه بر مهاجرت بی رویه روستاییان به شهر که بیش از همه به شیوه مصرف بستگی داشت بسیاری از لوازم مصرفی جامعه شهری وارد زندگی روزمره مردم روستایی گردید و به شدت رفتار فرهنگی جامعه تولید کننده را به جامعه مصرف کننده میدل ساخته است و به طور کلی بسیاری از مردم بویژه زنان در جامعه روستایی در کمتر از سه دهه دغدغه هایشان همچون زنان شهرنشین مصرف مبتنی بر تبلیغات نظام سرمایه داری است. هابرماس می گوید "زیست جهان" از بیخ و بن با فرایندهای رسانه ای شدن شکل می گرفت، آرزوها و امیال افراد چنان سخت کنترل می شود که زیست جهان به دست نظام سرمایه داری کنترل کننده آن عقلانی می شود اما توده ها از این کنترل یکسره بی خبر می مانند و این وضعیت منجر به گسستن نظام از زیست جهان می شود و از نظر مکتب فرانکفورت در آن واحد موجب استثمار اقتصادی و ایدئولوژیک توده ها می شود (اندی ۱۳۸۶). به طوری که در جامعه روستایی ایران که زنان در گذشته بر اساس عرف و نیاز خانوادگی دوشادوش مردان زیست جهان خود را تعریف می کردند، از پشم تولیدی گوسفندانش نخ تهیه می کرد و با پوست گردو و سایر گیاهان آن را به رنگ های مختلف درمی آورد و متناسب با محیط و جغرافیا و فرهنگ آن لباس های خود را تهیه می کرد و غذایش را بر اساس زیست و آنچه طبیعت به او اهدا کرده است، آماده می کرده است می کرد امروز غذا، لباس و بسیاری از وسایل زندگی اش را بر اساس تبلیغات رسانه ها انتخاب می نماید و به محل تولید و تهیه و توزیع آن هم هیچگونه دسترسی ندارد و به ظاهر او اختیار در انتخاب و مصرف دارد اما به مرور خود را با آن تطبیق می دهد. آنچنان در فضای تبلیغات رسانه ها قرار می گیرد که به مرور تمام لوازم زندگی را به او می قبولانند و او خود را نیازمند همه آنان حس می کند که بسیار غیرواقعی است.

آنچه در این مطالعه حائز اهمیت است سبک زندگی مردم روستا در چند دهه اخیر است که طی چند دهه با مهاجرت های پی در پی و زندگی در شهرها امروز فقط پنجاه و یک نفر در روستا زندگی می کنند که آن هم با تغییرات بسیار زیاد در سبک زندگی این روستاییان که حدود سه دهه است که دیگر گندم و جو کشت نمی شود زمینها زیر کشت ویلا رفته، تهیه نان و مصارف و لوازم خانه جملگی تابع تبلیغات رسانه ای قرار گرفته است و آن شد که امروزه این شیوه از زندگی مصرفی بسیاری از روستاهای کشور منجر به خالی شدن روستاها از سکنه گردید و آنانی که مانده اند کم کم مصرف را جایگزین تولید نمودند.

۴-۱- کندلوس

دهکده کندلوس با ارتفاع ۱۶۵۰ متر از سطح دریا از آبادی‌های بخش کجور از شهرستان نوشهر در استان مازندران می‌باشد که در ۷۵ کیلومتری جنوب شرقی آن قرار دارد و در طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۵۶ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۲ دقیقه شمالی واقع شده است. اساس آثار مکشوفه‌ی باستان‌شناسی در زیر موزه کندلوس، این دهکده یکی از قدیمی‌ترین اجتماع انسانی به شمار می‌رود که از شمال به روستای خوشل و مویج، از شمال شرقی به روستای پیده و زمین‌های زراعی، از شرق به دهکده میرکلا و گیل‌کلا، از جنوب شرقی به دهکده نیچکوه و مراتع سرسبز، از جنوب به ارتفاعات لوی سر، در همسایگی روستای پیل و نسن بخش بلده شهرستان نور، از غرب به ارتفاعات و جنگل زانوس مرتبط می‌باشد. (جلالی ۱۳۷۱)



شکل ۱- موقعیت کندلوس در استان مازندران

این دهکده تمدن‌های هزاره قبل از میلاد مسیح و قبل از اسلام و پس از آن و آثار تمدن جدیدی که حدود شش قرن از آن می‌گذرد را در سینه خود نهان دارد. کشیدگی روستای کندلوس به صورت شمالی- جنوبی بوده، دارای بافتی متراکم، با کوچه پس‌کوچه‌های شیبدار و دارای محله‌هایی به نام‌های: درزی کلا، ملاکلا، مقیم سری دله، جورسری، سری دله، بنیم سری، جیوسری، لوسرکتی، چال زمین، کلم بن، نوکلد و... می‌باشد. و طوایف جلالی، مصطفی پور، جهانگیری، شیخ الاسلامی، مقیمی، ملایی، امین زاده در این محله‌ها زندگی می‌کنند. فامیلی‌هایی از قبیل شایسته پور، داودی، دانش، کجوری، فرزب نیز به صورت موردی وجود دارند که از همین طوایف تغییر نام داده‌اند (جهانگیری ۱۳۶۷).

دارای آب و هوایی سرد و خشک کوهستانی است؛ جمعیت این دهکده در فصول سرد از جمله زمستان سال ۱۳۹۹ به ۵۱ نفر و در فصول گرم، به حدود ۲۰۰۰ نفر می‌رسد. جمعیت بالقوه کندلوس براساس سرشماری‌های محلی حدود ۳۲۰۰ نفر می‌باشد که به نقاط مختلف کشور و جهان مهاجرت نموده‌اند. این دهکده به دلیل داشتن آب و هوای مطبوع، مناظر زیبا، موزه مردم‌شناسی، پارک و رستوران، امامزاده، و بافت تاریخی، یکی از روستاهای گردشگری کشور می‌باشد.



شکل ۲- دورنمای روستای کندلوس

۴-۲- جمعیت بومی

این جمعیت که در تمام فصول در روستا زندگی می‌کنند در سال ۱۳۹۹ تعداد ۲۳ خانوار و ۵۱ نفر در فصل زمستان در کندلوس زندگی می‌کنند که از این تعداد ۳۰ نفر زن و ۲۱ نفر مرد که جملگی از اهالی خود کندلوس می‌باشند. در محله ملاکلا ۵ نفر که یک نفر زن دو پیرمرد با سن ۸۵ سال و ۹۳ سال و یک مرد ۵۱ ساله و یک نفر چهل ساله که هر دو نفر خانواده‌هایشان در چالوس زندگی می‌کنند.

- محله درزیکلا (مقیمی‌ها) جنب ملاکلا یک خانوار یک نفره زن حدود شصت و پنج سال مجرد،
- محله بنیم سری پیت‌خانه (جلالی‌ها) تعداد ۱۱ نفر که ۷ نفر زن و ۴ نفر مرد می‌باشند که پنج خانوار بوده و یک خانوار سه نفره (مادر ۷۳ ساله و پسر مجرد ۴۹ ساله و ۳۴ ساله)، خانوار دیگر (زن و شوهر ۷۰ ساله و ۶۶ ساله) خانواده دیگر، (دو دختر مجرد ۵۲ و ۶۰ ساله) و یک خانواده هم (زن و شوهر بالای ۶۰ سال) که در میرکلا چسبیده به کندلوس زندگی می‌کنند اما کندلوسی است و خانواده دیگر مادر ۷۴ سال و دختر ۴۵ سال در لوسرکتی.
- محله جورسری (مصطفی پورها) یک خانوار زن و شوهر مرد ۷۹ سال و زن ۶۷ سال می‌باشند.
- محله بنیم سری (شیخ الاسلامی‌ها) که ۵ خانوار زندگی می‌کنند یک خانواده مادر و دختر که مادر ۷۷ سال دختر مجرد ۵۱ سال. خانواده دیگر یک زن و شوهر با یک دختر مجرد که مرد ۷۳ سال و زن ۶۶ سال و دختر ۴۴ سال می‌باشند.

خانواده دیگر ۷ نفره مرد ۷۸ سال همسر خانواده ۶۹ سال تعداد چهار دختر مجرد ۵۱ساله، ۴۳ ساله، ۴۰ ساله و ۳۵ ساله و یک پسر مجرد ۳۸ساله می باشند. خانواده دیگر دو نفره زن و شوهر که مرد ۶۶سال و زن ۶۲ سال می باشند و خانواده دیگر زن و شوهر مرد ۷۳ساله زن ۶۵ساله.

محل کلم بن تامیون: سه خانواده زندگی می کنند یک خانواده دو نفره زن و شوهر (مرد ۷۰سال زن ۶۳) سال خانواده زن و شوهر دو نفره دیگر (مرد ۳۵ سال زن ۳۱ سال) خانواده دیگر سه نفره (مادر با یک پسر و دختر مادر ۶۶ سال دختر مجرد ۴۲ سال پسر مجرد ۳۲سال می باشند).

محل های دراز بال و گراز: چهار خانوار زندگی می کنند که یک خانوار دو نفره، (مرد(دو برادر) که یکی متاهل بوده و خانواده در چالوس زندگی می کنند با ۳۵ سال سن ولی به خاطر معیشت و داشتن دام خودش در دهکده زندگی می کند دیگری مرد مجرد ۳۰ساله). خانواده دیگر زن و شوهر دو نفره (مرد ۷۶ ساله زن ۶۷ساله)، خانواده دیگر زن و شوهر دو نفره (مرد ۵۵ ساله زن ۵۱ ساله) و خانواده دیگر سه نفره یک مادر و دو دختر مجرد (مادر ۷۱ساله دختر ۴۵ ساله و دختر ۴۳ ساله) می باشند.

جامعه آماری با سیمای جمعیتی که ذکر گردید بسیار متنوع به لحاظ سن و شغل می باشد از تعداد ۳۰ نفر از زنان شرح جدول سنی به شرح ذیل می باشد.

جدول ۲- جمعیت زنان به لحاظ تاهل و مجرد

تعداد	شرح	
۱۱ نفر	تعداد زنان دارای همسر	۱
۵ نفر	تعداد زنان همسر فوت شده	۲
۱۴ نفر	تعداد دختران مجرد	۳

جدول ۱- جمعیت زنان جدول رده سنی

تعداد	سن	
۳ نفر	۳۱-۴۰	۱
۷ نفر	۴۱-۵۰	۲
۶ نفر	۵۱-۶۰	۳
۱۱ نفر	۶۱-۷۰	۴
۳ نفر	۷۱+	۵



شکل ۳- چشم انداز روستای کندلوس

جدول ۱- جمعیت اشتغال زنان

تعداد	سن	
۱۶ نفر	تعداد زنان خانه دار	۱
۶ نفر	تعداد زنان شاغل در خدمات که حقوق ماهیانه دریافت می کنند	۲
۴ نفر	تعداد زنانی که فرزند یا همسرشان دام دارند و آنها به امور محصولات دام می‌رسند	۳
۴ نفر	تعداد زنانی که هم خانه دارند و هم دامدارند	۴

۳-۴- سوالات اساسی

علاوه بر مشخصات فردی پیرامون زندگی روزمره زنان در کندلوس عبارتند از: میزان درآمد یا پولی که ماهیانه دریافت می کنید؟ میزان هزینه هر ماه؟ خوراک(نوع غذا، نوشیدنی) پوشاک و مدیریت بدن(میزان هزینه لباس؟ مرکز خرید لباس یا محل تهیه لباس؟ اهمیت مد؟ تعداد دفعات مراجعه به آرایشگاه کار روزانه؟) (پختن غذا، تهیه وسایل، نظافت منزل، تولید صنایع دستی و بافندگی

فراغت (چگونگی گذران اوقات فراغت): در منزل، شب نشینی، پیاده روی، مهمانی و دورهمی، میزان مسافرت در سال اعم از زیارتی یا سیاحتی

مصارف فرهنگی: میزان مشاهده تلویزیون در روز؟ نوع برنامه؟ ماهواره یا شبکه داخلی؟ میزان گوش دادن به موسیقی؟ موسیقی سنتی یا پاپ فارسی؟ موسیقی محلی سنتی یا پاپ؟ موسیقی مذهبی؟ شرکت در مراسم‌های آیینی شادمانه (نوروز- تیرماسیزه شو- عروسی، جشن تولد یا دورهمی های مشابه) شرکت در مراسم مذهبی و مناسک دینی(محرم و صفر و رمضان، سفره های نذری و ...)

مصرف ارتباطی (مجازی) میزان استفاده از اینترنت در روز: میزان استفاده از موبایل برای صحبت. میزان استفاده از برنامه های پیامکی و ارتباطی مانند واتساپ، تلگرام و پیامک.

در جامعه روستایی این مصارف از تنوع چندانی برخوردار نیست و بسیار ساده به نظر می‌رسد به عبارتی برای خوراک معمولاً در خانه و یا نهایتاً در خانه یکدیگر غذا می‌خورند اما تنوع رستوران و کافی شاپ و ... در فصل زمستان وجود ندارد و حتی در فصل تابستان هم جزو مصارف بومیان نیست لذا پس از جمع‌آوری مصاحبه‌ها و مشاهده زندگی روزمره برآن شدیم تا زندگی روزمره زنان مختلف را به صورت توصیفی گزارش نماییم.

در زندگی روزمره زنان کندلوس ابتدا به زندگی و کارهای روزانه یک زن می‌پردازیم:

زن دامدار، باغدار و خانه‌دار: منظور از زن دامدار، باغدار و خانه‌دار زنانی هستند که علاوه بر کارهای روزمره منزل اعم از آشپزی و نظافت و ... کارهای مربوط به باغ، همچنین دام(گاو) و فرآوری محصول به عهده آنان است. در این جامعه آماری ۴ نفر از زنان خانه‌دار و دامدار هستند یک نفر دختر خانه‌دار است که مادرش فوت کرده و با پدر و برادر خود زندگی می‌کند و بیشتر کار فرآوری محصول به عهده ایشان است. یک نفر با همسر و دو نفر نیز زنان مسن بالای ۶۵ سال می‌باشند که هر کدام دو یا سه گاو و تعدادی مرغ و خروس هم دارند. هنگام سپیده صبح که از خواب برخاسته‌اند. ابتدا پس از خواندن نماز مقدمات آماده‌سازی چای را فراهم می‌سازند سپس به طویله‌ها رفته اول با جاروی چوبی که از سر شاخه‌های درختچه‌ها درست می‌شود طویله را تمیز کرده و سپس علوفه‌هایی که قبلاً آماده کرده‌اند و در کیسه‌ها آماده است را در آخور گاوها می‌ریزند در صورتی که گاوی شیرده باشد ابتدا گوساله را که در گوشه طویله در محلی به نام کرس kres قرار دارد را پیش مادرش آورده و گوساله از پستان مادر قدری شیر می‌خورد پس از آن با طناب گوساله را جلوی مادرش به آخور می‌بندند سپس با جوله مسی و یا سایر ظروف شیردوش در زیر پستان گاو بر روی وسیله‌ای چوبی بنام کتل katel می‌نشینند و گاه نیز بر روی دو پای خود نشسته و شیر گاو را می‌دوشند پس از دوشیدن، مجدد گوساله را برای خوردن شیر رها می‌کنند و معمولاً بعضی از گاوها مقداری از شیر را برای گوساله‌ها نگه می‌دارند به گونه‌ای که صاحب گاو نیز نمی‌تواند همه شیر را بدوشد پس از چند دقیقه گوساله را از مادر جدا کرده و داخل محوطه کرس قرار می‌دهند. در هنگامی که زمستان برف و سرمای سوزان باشد گاوها در طویله می‌مانند. اما در فصل بهار یعنی از اسفندماه به بعد در برخی از روزها گاوها را برای گشت و گذار و در فروردینماه برای چرا به مراتع و جنگل‌های اطراف می‌فرستند که تا غروب مجدد به طویله برمی‌گردند.



شکل ۴- زن کندلوسی

زن خانه‌دار شیر را به خانه می‌آورد ابتدا بساط صبحانه را آماده می‌کند؛ پس از صرف صبحانه شیر را داخل پارچه و یا آبکش‌های بسیار ریزی عبور می‌دهند تا احياناً اگر آشغالی در شیر رفته باشد تمیز باشد. به این عمل پرزو perzo زدن گویند سپس بر روی حرارت قرار داده و پس از جوشیدن شیر و کمی خنک شدن برای درست کردن پنیر و یا ماست اقدام می‌کنند. سه نفر از این زنان به علاوه دو نفر از زنانی که دامدار نیستند به باغداری(کاشت مختصر لوبیا، سیب زمینی، سیر و سبزیجات) مشغولند که این باغداری فقط جهت استفاده خانوار می‌باشد که سیر را در فصل پاییز و لوبیا، سیب زمینی و سایر سیفی جات را در فصل بهار کشت می‌نمایند. لازم به یادآوری است شخم زدن با بیل معمولاً به عهده مردان است و گاهی نیز زنان با بیل و بلو به شخم زدن باغ مبادرت می‌نمایند.

شیوه درست کردن ماست^۱: برای درست کردن ماست ابتدا شیر را می‌جوشانند پس از آنکه شیر کمی ولرم شده است با نصف قاشق ماست قبلی بنام آمه بن ameben در یک کاسه‌ای معمولاً مسی می‌ریزند با کمی به هم زدن مخلوط را در جای گرمی همچون کنار بخاری خانه گذاشته و روی آن را پارچه و پتوی گرم قرار می‌دهند. پس از دو ساعت دیگر که شیر حالت نیمه جامد را بخود گرفته است باید ماست را در جای خنکی قرار دهند طریقه درست کردن و مقدار آمه بن در ترش و شیرین شدن ماست نقش بسزایی دارد و مهارتی خاص می‌طلبد. لازم به یادآوری است با توجه به اینکه فصل زمستان فصل زایمان گاوهاست و مقدار محصول گاوها بیشتر است در نتیجه مقدار زیادی از شیر را ماست یا پنیر درست می‌کنند و ماست‌ها را هر پنج یا شش روز در دستگاه کره‌گیری خانگی که سفالین هست و دو دسته دارد بنام دوشن dushen می‌ریزند سپس کمی آب ولرم گرم را به آن اضافه کرده و با به هم زدن خاص و آهنگین، ماست را به کره تبدیل می‌کنند. معمولاً این کار حدود نیم ساعت تا چهل دقیقه طول می‌کشد که آوازهای محلی خاصی برای زیاد شدن محصول می‌خوانند در زمان پایانی در داخل دوشن کمی آب سرد می‌ریزند تا کره‌ها از دوغ جدا شوند. سپس کره را گرفته و در مقداری آب سرد قرار می‌دهند که بعداً از آب خارج کرده و در ظرف مخصوص قرار می‌دهند. از این دوغ جهت آش و گاهی غذای سگ استفاده می‌کنند و گاهی نیز دوغ را در داخل کیسه پارچه‌ای می‌ریزند تا آنها از دوغ جدا شود. به دوغ آب رفته که حالت جامدتری به خود گرفته است، پتو patu گویند که هم با آن کشک و هم گاهی آش پتو درست می‌کنند در گاوسرا از آبی که زیر کیسه دوغ قرار می‌گیرد مجدداً می‌پزند و قراقروت درست می‌کنند اما در خانه، زنان کمتر قراقروت درست می‌کنند.

۱- برخی از کارها با گفتگو از زنان دهکده در اینجا ثبت شده است.



شکل ۵- درست کردن پنیر در کندلوس

شیوه درست کردن پنیر: ابتدا شیر را جوشانده و پس از آنکه کمی ولرم شده است. مقداری مایه پنیر می ریزند و پس از چند دقیقه شیر کم کم حالت جامدی به خود می گیرد آنگاه مخلوط را در درون کیسه پارچه ای قرار می دهند تا آب از آن جدا شود. در گذشته به جای مایه پنیر از گره ¹ gera (شیردان بره های کوچک) استفاده می کردند. علاوه بر آن از آب زیر کیسه پنیر گوسفندان مجدداً محصول دیگری بنام لور ² flour درست می کردند اما از شیر گاو لور نمی گیرند و معتقد بودند که آب مانده از پنیر گاو مکروه است.

لازم به یادآوری است برخی از کارهای غذا دادن صبحگاهی گاوها و نظافت طولیه در خانه هایی که مرد خانه باشد توسط مردان انجام می شود و زنان در تمیز کردن طولیه و یا ریختن علف و کاه در کیسه ها گاهی کمک می کنند. ولی اگر مردان پیر و فرسوده و توانایی کار را نداشته باشند این کار توسط زنان انجام می شود که یکی از زنان در حال حاضر دارای همین ویژگی است و همه کارهای خانه و دام توسط زن انجام می شود. که این تاب آوریها و نگرش زیست جهان زنان روستا و عشایر چه زیباست و زندگی چه مقدس است.

نظافت خانه: یکی دیگر از کارهای زنان اعم از خانه دار و دامدار و کارمند نظافت خانه است. ابتدا پس از صبحانه به شستن و تمیز کردن ظروف می پردازند. در گذشته که آب لوله کشی در خانه ها وجود نداشت زنان ظروف را به سرچشمه های ده می بردند و در چشمه با خاکستر و کمی ماسه های داخل چشمه ظروف را می شستند اما امروزه همچون شهرها به روش مدرن داخل خانه ها آب لوله کشی و حمام وجود دارد. پس از شستن ظروف مقدمات غذایی ظهر را آماده می کنند به موازاتی که غذایی ظهر که معمولاً برنج با خورش و گاهی هم شیر و ماست هست با جاروی دستی و یا برقی به نظافت خانه مشغول می شوند و معمولاً به طور زیبایی به مرتب کردن خانه می پردازند. در گذشته معمولاً اکثر خانه ها از چوب و سنگ و یا کله چوب بوده و داخل و نمای ساختمان با گل سفیدی که در دهکده وجود داشت گل کار و تمیز می شدند که بسیاری از خانه ها با پیروی از معماری مدرن گچ و گچ و خاک شده اند که نیاز به گل کار نیست اما خانه هایی که به روش سنتی می باشند زن خانه هر چند روزی یکبار با آب و گل سفید و گاهی با ریختن کمی گچ با تکه پارچه ای دیوارهای داخلی و نمای خانه را رنگ آمیزی و یا گل کار می کنند در گذشته که دهکده برق نداشته است یکی از کارهای نظافت تمیز کردن و آماده سازی چراغ های گردسوز و فانوس و چراغ والور بوده است. که جای چراغ را لامپ و جای فانوس را چراغ قوه ها و جای والورها را هم گازهای رومیزی و کپسول های یازده کیلویی گرفته است. برخی از خانه ها، بخاری های نفتی و والور و برخی نیز بخاری هیز می دارند. آوردن هیزم و آماده سازی آن به اندازه بخاری و خریدن نفت و تهیه آن در تانکرها به عهده مردان است تمیز کردن آن توسط زنان و برخی نیز به صورت مشترک انجام می شود.

تهیه نان: برای درست کردن نان ابتدا، در ظرفی به نام لاوک که در گذشته چوبی بوده و امروزه از طشت های فلزی و گاه پلاستیکی هم استفاده می شود مقداری آرد به میزان مصرف نان حداقل سه تا چهار روز خانوار را می ریزند و با کمی مایه خمیر و آب مخلوط کرده و با دست و مشت اینقدر خمیر را می کوبند و این طرف و آن طرف می کنند تا خمیر ورز بیاید و آماده شود(در گذشته به جای مایه خمیر از هر وعده خمیر نیم کیلو یا به اندازه مورد نیاز خمیر را نگه می داشتند و با آن خمیر جدید را درست می کردند که به آن "خمیرمار" یا مادر خمیر می گفتند. سپس در جای گرمی معمولاً کنار بخاری در خانه قرار می دهند پس از یک تا دو ساعت خمیر مقداری پف می کند و آماده پختن می شود که (اصطلاح "خمیر بیمو" یعنی خمیر آمد و آماده پختن شد را به کار می برند). در این فاصله مقداری چوب ریز و سرشاخه بنام شیکه sheke در تنور می ریزند و آتش می کنند و پس از آنکه تنور گرم شده است در حد فاصل این زمان خمیر را به اندازه های کوچک و دلخواه معمولاً گرد و گاهی نیز پنجی کش به صورت دراز آماده می کنند. در ظرفی کوچک تعداد دو یا سه تخم مرغ را شکسته با مقداری کنجد مخلوط کرده و به هم می زنند. با جاروی مخصوص تنور که آن را کمی خیس می کنند به داخل دایره تنور می کشند تا تنور را تمیز کنند. سپس آماده پختن نان می شوند. بر روی هر یک از خمیرهای آماده پخت کمی از ترکیب تخم مرغ و کنجد را روی آن می کشند و از قسمت دیگر آن به تنور می چسبانند. پس از آنکه آخرین خمیر را به تنور چسبانند درب فلزی تنور را قرار می دهند تا نان زودتر پخته شود معمولاً پس از چند لحظه نانهای اولیه برشته شده و با کاسه یا ملاقه های بزرگ نانهای برشته را از تنور درآورده و در همان لاوک قرار می دهند و روی آن را پارچه یا چادرشب و سفره می کشند تا نان خشک نشود.

لازم به یادآوری است گاهی بعضی از نانها در خاکستر تنور می افتند و آن نانها را به گاو یا سگ می دهند و به این نانها "کِلِر" keler گویند. در برخی موارد در خمیر شیر و ماست و روغن محلی هم می ریزند تا نان نرمتر و خوشمزه تر گردد. گاهی نانهای کوچکی به نام تیک را برای کودکان درست می کنند. همچنین در گذشته در کل روستا سه یا چهار تنور وجود داشت که

۱- گاهی بره ها تا قبل از آنکه علفخوار بشوند در صورتی که دچار نارسایبیهایی می شدند سر آن ها را می بریدند و شیردان آنها را خشک می کردند که برای درست کردن پنیر از آن استفاده می کردند.

زنان ده به ترتیب در آن بر اساس نوبت نان درست می کردند اما در دهه های اخیر در اکثر خانه ها تنور وجود دارد اما بسیاری نیز نان درست نمی کنند و یا از روستاهای همجوار و یا شهرها و یا نان‌های لواشی که در مغازه ها ارایه می شود استفاده می کنند.



شکل ۶- پختن نان در کندلوس

در برخی موارد اضطراری که در خانه نان نباشد به طور موقت در داخل ظرف نانهای مثل چک سری و یا کلوا و فتیر در داخل منزل درست می کنند. کلوا و فتیر را در داخل ظرف و زیر خاکستر داغ قرار می دهند و چک سری را داخل طشت و یا ماهی تابه درست می کنند. در گذشته نان را در همان لاوک و با پیچیدن پارچه های چادرشب برای سه تا چهار روز نگه می داشتند اما امروزه از نایلون های کیسه ای و فریزکردن در یخچال به مدت طولانی تری نان را نگه می دارند.^۱

پخت و پز: صبحانه که معمولا از غذاهای آماده ای همچون چای و نان و پنیر و کره عسل و مربا و تخم مرغ شیر و خامه تشکیل می شود. چای و نان پای ثابت صبحانه مردم است. گاهی نان و گردو هم برای صبحانه صرف می کنند پذیرایی و تهیه صبحانه از جمله کارهای زنان است. برای پختن غذاها اکثرا از گاز مایع با کپسول خانگی استفاده می کنند. مهمترین وعده غذایی نهار و شام است که در فصل تابستان که گاهی مردان سر کار هستند و ظهر به خانه نمی آیند وعده اصلی شام است. اما در زمستان که مردان در خانه هستند هر دو وعده نهار و شام دارای اهمیت است. در برخی از خانه ها در سفره شام پلو مصرف می کنند. کدبانوی خانه ابتدا مقداری برنج به اندازه تعداد خانوار برمی دارد پس از پاک کردن و شستن برنج با ریختن کمی نمک و تنظیم آب آن دیگ پلو را بار می گذارد. علاوه بر پلو خورشت نیز از دیگر ملزومات سفره است. منظور از خورشت دو مفهوم را دربر می گیرد. یکی غذای خورشت که شامل خورشت هایی از قبیل قیمه، فسنجان، خورشت لوبیا، سرج بی یعنی سیر داغ شده و قراقروت و مرغ و ... می باشد. علاوه بر آن هر چیزی که همراه پلو می خورند را خورشت می نامند یعنی اگر تخم مرغ هم در کنار پلو سرخ کنند می گویند خورشت غذا مثلا تخم مرغ یا کباب یا مرغ و ماهی است. عمدتا غذاهای خورشتی با حیوانات درست می شود. علاوه بر خورشت هایی که بوسیله حیوانات و صیفی جات و گوشت و مرغ تهیه می کنند مرغ به شکل شکم پر و خوراک و ماهی اعم از شکم پر و یا گردبیج از دیگر غذاهای مردم در مهمانی هاست. ترکیب سرخ شده خرما و تخم مرغ و یا سیب زمینی و تخم مرغ از دیگر خورشت های غذا می باشد. مصرف شیر و ماست و پلو با نام گرماس پلا *germas pela* و یا مخلوط کردن هویج رنده شده و کشمش سرخ شده نیز هویج پلا و ترکیب لوبیا سبز و یا لوبیا چیتی و سیر و یا سیب زمینی با پلو نیز از دیگر غذاهای روزمره مردم است.

گاهی نیز علاوه بر صبحانه حوالی ساعت ده با عنوان ساعت دهی یا قلی نهار غذایی همچون صبحانه می خورند. در فصل بهار زنان با کندن سبزیها از باغها و علفزارها و ارتفاعات دهکده "بیشت واش" و "سبزی پلو" درست می کنند. خورشت های همراه نان گاهی با عنوان حاضری یعنی همان پنیر و حلواشکری و تخم مرغ و مربا کره و عسل و خورشت لوبیا، عدس یا آبگوشت بیشتر واش سیب زمینی تخم مرغ و... است و یا نان را داخل شیر تلبت می کنند و به عنوان غذا همراه نان در وعده های شام و نهار مصرف می کنند.

خرید مایحتاج: خریدهای کلی و عمومی از جمله آرد، برنج و برخی از وسایل کلی به عهده مردان است اما خرید وسایل روزانه مورد نیاز خانه که توسط زنان انجام می شود. به سه شیوه قابل تهیه است. ۱- برخی مواقع برای شرکت عروسی اقوام و یا عیادت بیماران و یا سایر کارهای اداری و غیره به شهر می روند امروزه سواری های کرایه برای رفتن به شهر وجود دارند گرچه در فصل زمستان هم برخی روزها رفت و آمد نیست اما زنان هنگامی که به شهر می روند برخی از وسیله های مورد نیاز خود را تهیه می کنند. ۲- در روستا فروشگاههای وجود دارد که مجموعه وسایل مورد نیاز روستاییان را دارد که بسیاری مواقع از مغازه داخل دهکده تهیه می نمایند. ۳- فروشندگان دوره گرد نیز با ماشین های وانت که به دهکده می آیند زنان برخی از وسایل را از آنان تهیه می نمایند که همه این خریدها توسط زنان انجام می شود و معمولا مردان کاسب بوده و درآمد اقتصادی دارند و بسیاری از مردان پولها را در اختیار زنان قرار می دهند و زنان مدیریت مالی را به عهده دارند و برخی مردان نیز پولها را در اختیار خود دارند و هر وقت که مورد نیاز زنان باشد در اختیار زنان قرار می دهند.

اوقات فراغت: در فصل زمستان پس از انجام کارهای خانه یکی از مهمترین اوقات فراغت زنان در روزهای آفتابی در هنگام بعدازظهر نشستن در معرض آفتاب است که اصطلاحا به آن آفتاب کل *kel* گویند که معمولا چند زن که در همسایگی هم قرار دارند بر روی سکوهایی خانه هایی که رو به آفتاب هستند در کنار هم می نشینند و مهمترین کاری که در این زمان انجام می دهند علاوه بر همنشینی و همصحبتی، کار بافتندگی است. یکی دیگر از مسائل اوقات فراغت زنان شب نشینی اقوام و فامیل در کنار یکدیگر است که بخشی به صحبت و بخشی نیز به دیدن سریالهای تلویزیون سپری می شود و به طور کلی با توجه به اینکه

۱- جلالی، زرحال، خانه دار و دامدار، ۷۵ساله، تاریخ گفتگو دیماه ۹۹، محل گفتگو: روستای کندلوس

روستا تقریباً خالی از سکنه است و مسافری نیز به دهکده نمی‌آیند این تنهایی‌ها باعث می‌شود تا همین تعداد زنان ارتباطات گرمی با یکدیگر داشته باشند که در فصل تابستان جای خود را به زیست خاص تابستانه می‌دهد.

پیاده روی: در روزهای آفتابی تعدادی از زنان و دختران که با هم ارتباط بهتری دارند برای ورزش و گذران اوقات فراغت به پیاده روی می‌روند و این شیوه مخصوص دختران و زنان جوان است و معمولاً زنان مسن تر از پیاده روی پرهیز می‌کنند و به لحاظ عرف مناسب خود نمی‌دانند.^۱

۴-۳-۱- مصارف فرهنگی

تلویزیون و ماهواره: دیدن تلویزیون و ماهواره از جمله مصارف فرهنگی زنان در کندلوس است که بیشتر در زمهره اوقات فراغت نیز به حساب می‌آید. دیدن تلویزیون ملی و محلی مهمترین مصرف خانواده‌ها در کنار یکدیگر است. گرچه بسیاری از خانواده‌ها علاوه بر تلویزیون، به شبکه‌های ماهواره نیز دسترسی دارند و دیدن سریالهای مختلف ایرانی و خارجی یکی از برنامه‌های جمعی و یا تنهایی آنها در حوزه مصرف فرهنگی است. اما بیشترین زمان را به دیدن برنامه‌های موسیقی و سریالهای محلی از طریق تلویزیون استانی اختصاص می‌دهند. مطالعه کتاب بسیار به ندرت دیده می‌شود.

شعر و موسیقی: مصرف شعر و موسیقی توسط زنان جوان و دختران بیشتر از طریق نرم افزارهای تلفن همراه از جمله واتساپ و تلگرام و اینستاگرام دست به دست می‌شود؛ وضعیت کرونایی کشور در این شیوه از مصرف، نقش بسزایی داشته است. همچنین از طریق شبکه استانی نیز موسیقی محلی گوش می‌دهند.

سینما: دیدن فیلم در سینما معمولاً به دلایل مختلف حتی به شهرها هم که می‌روند جزو مصرف فرهنگی آنان نیست و بیشتر از طریق دستگاههای خانگی مصرف می‌کنند. لازم به یادآوری است که در دهکده کندلوس موزه مردم شناسی وجود دارد که در فصل زمستان کاملاً تعطیل است.



شکل ۷- مراسم در کندلوس



شکل ۸- مراسم در کندلوس

جشن‌ها و آیین‌ها: در فصل بهار و تابستان جشن آیینی فردینماشو برگزار می‌شود و زنان دهکده نقش زیادی در برگزاری این جشن دارند از جمله پختن آش، درست کردن تنقلات و گاهی نیز شعر و موسیقی در دهکده برگزار می‌شود که همگان از جمله زنان نیز در مصرف آن بهره‌مندند.

جشن تیرگان: یکی دیگر از جشن‌های آیینی جشن تیرگان (تیرماسیزه شو) است که معمولاً در دوازدهم آبانماه برگزار می‌شود این جشن که در جای جای مازندران و مناطق تبری و بیشتر در خانه‌ها برگزار می‌شود. زن خانه در آن روز مقداری گندم و شاه دانه یا تخم کف را شسته و سپس در داخل طشتی با کمی نمک برشته می‌کند این تنقل که هایش نام دارد به علاوه کشمش و مغز گردو آجیلی خوشمزه درست می‌شود و مخصوص چنین شبی است. علاوه بر آن شیرینی خانگی بنام پرساق درست می‌کنند که شیرینی ایام شادمانه‌ها و اعیاد است.

در این جشن که به باور مردم انداختن تیر آرش برای تعیین مرز توران و ایران علت برگزاری این جشن است مردم معتقدند که در این شب که در سیزدهم تیرماه تبری است باید سیزده چیز خورده باشند و اگر کمتر از این باشد شگون ندارد در این شب چند خانواده در کنار هم قرار می‌گیرند و تا پاسی از شب به جشن و امیری خوانی می‌پردازند. در گذشته شال انگینی (دستمال انداختن از پشت بام یا روزن خانه) و امیری خوانی از جمله برنامه‌های این جشن بوده است؛ این آیین به مرور در حال فراموشی است گرچه در سالهای اخیر مردم به برگزاری این آیین‌ها علاقه وافری نشان می‌دهند اما باید طرحی نو متناسب با نیازهای جامعه مدرن بر اساس این ظرفیت‌های خوب فرهنگی درانداختن چرا که این آیین‌ها کارکرد بسیار بالایی در زیست جهان امروز و ایجاد حال خوب در خانواده‌ها و جامعه دارند.

چهارشنبه سوری: چهارشنبه سوری یا کل چهارشنبه که آخرین چهارشنبه اسفندماه است معمولاً در کندلوس از گذشته دور در داخل کوچه‌ها چند همسایه کنار هم جمع می‌شوند و در یک ردیف با کاه خشک سه بوته آتش درست می‌کنند و همه اعضای خانواده و فامیل از روی آن می‌پزند و شعرهایی از قبیل غم بوره شادی بیه / محنت بوره روزی بیه (غم برود شادی بیاید) محنت برود و روزی بیاید) را می‌خوانند. در این شب نیز معمولاً غذای خوبی درست می‌کنند و بیشتر در چنین شبی ماهی پلو می‌خورند.

۱- جلالی، نعیمه، خانه دار، ۵۲ساله، تاریخ گفتگو دیماه ۱۳۹۹، محل گفتگو: کندلوس

عید نوروز: یکی از مهمترین آیین‌ها عید نوروز است که زنان زمان بسیار زیادی نیز برای این آیین باستانی می‌گذارند. اول اسفندماه به تقویم تبری فصل بهار آغاز می‌شود و در اواسط بهمن ماه معمولاً زن خانه پیش ملای ده اعم از زنان باسواد قرآنی و یا روحانی دهکده می‌رود و براساس استخاره با قرآن مجید فردی را به عنوان سال‌مج 'salmej' (کسی که سال ما با قدمهای او آغاز می‌شود) انتخاب می‌کنند یعنی ابتدا از فرزندان خردسال و در صورتی که در استخاره خوب نیاید افراد بزرگتر پیشنهاد می‌کنند در صورتی که از اعضای خانواده هم شخصی انتخاب نشد از میان فرزندان فامیل پیشنهاد می‌دهند و دو نفر را انتخاب می‌کنند. یکی برای مامج و دیگری سال‌مج؛ گاهی هر دو نقش را به یک نفر می‌دهند. اگر استخاره خوب درآمده باشد پس از آنکه فرد مورد نظر بر اساس استخاره انتخاب شد، ما مج ابتدا در اول اونمای تبری برابر با اسفندماه آغاز فصل بهار در صبحدم با ظرفی از آب و قرآن مجید و سبزه ... (هفت سین) قبل از آنکه کسی از خانه بیرون برود وارد خانه می‌شود و در چهار کنج منزل و اتاقها مقدار کمی آب می‌ریزد.



شکل ۹- سفره هفت سین در کندلوس

مهمترین باور این بخش آن است که با ورود پای ایشان در خانه ما این ماه و فصل برای ما آغازی خوب و خوش یمن و با شگون خواهد بود. ضمناً به این ما مج صله ای می‌دهند و از آب اضافی داخل ظرفی که در دستش بود را داخل سماور می‌ریزند تا از آن آب، چای درست کنند. همین آداب را مفصل‌تر در هنگام سال تحویل توسط سال‌مج انجام می‌دهند. لازم به یادآوری است که کدبانوی خانه در نیمه بهمن ماه مقداری گندم را در ظرفی همچون بشقاب خیس می‌کند و در منزل و در کنار پنجره خانه قرار می‌دهد و طی پانزده روز با آب دادن به موقع سبزه بلند می‌شود و به عنوان سبزه هفت سین استفاده می‌نمایند. همچنین نیمه اسفندماه سبزه دیگری نیز برای عید نوروز آماده می‌سازند. گاهی به جای گندم، عدس و یا کنجد را هم سبزی می‌کنند و اگر سبزه خوبی به عمل نیاید می‌گویند از دست فالانی سبزه نمی‌شود.

علاوه بر آن یکی از مهمترین کار زنان در قبل از عید نوروز خانه تکانی است که کل خانه را تمیز نموده و بخشی از چیزهای کهنه را به دور می‌ریزند و معتقدند باید همه گرد و خاک سال گذشته را به دور ریخت بسیاری از وسایل خانه را تمیز کرده و یا می‌شویند. گرچه کار بسیار سختی برای زنان است اما با رضایت‌مندی و جنب و جوش خاص به استقبال نوروز و بهار می‌روند. از دیگر کارهای زنان برای نوروز درست کردن شیرینی‌های محلی یا کیک محلی بنام پرساق porsagh است. علاوه بر آن پفک برنجی یا بادونه baduna از دیگر کارهای نوروزی است. تهیه سفره هفت سین و سفره نوروزی از دیگر کارهای زنان به حساب می‌آید. در سفره هفت سین چراغ گردسوز در هنگام روز هم روشن می‌کنند همچنین قرآن مجید، سکه و سبزه و سماق و سنجید ... و ظرفی از آب قرار دارد شاخه ای از بید که در این هنگام گل دارد را در میان سبزه قرار می‌دهند. میوه و شیرینی و آجیل نیز زینت بخش سفره است و تقریباً همه اهالی به دید و بازدید نوروزی می‌پردازند. در گذشته عیدی دادن به کودکان از جمله کارهای مردان بوده که امروزه این کار توسط زنان و گاهی هم توسط مردان انجام می‌شود.

اعیاد فطر و قربان: از دیگر برنامه‌های شادمانه اعیاد فطر و قربان است. در عید فطر با توجه به یک ماه عبادت، عید فطر نیز از شور و هیجان خاصی برخوردار است و سفره مربوط به عید فطر بیشتر میوه و خرماست و همچون عید نوروز به دیدار هم می‌روند. عید قربان در کندلوس از گذشته دور فقط به قربانی کردن گوسفند می‌گذشت. افرادی که نذر قربانی داشته باشند قربانی را چند تکه کرده و برای همسایه‌ها می‌فرستند، آداب و آیین دیگری همچون عید فطر ندارد. علیرغم ارادت مردم به مولا علی (ع) که در زندگی روزمره گذشته آنها متداول بوده است اما عید غدیر در کندلوس هیچگونه آیین خاصی ندارد اما در گذشته شب سیزدهم رجب شب تولد امام شیعیان علی(ع) را جشن می‌گرفتند و همچون جشن تیرگان در خانه برگزار می‌شد که گاهی سیزدهم رجب وقتی به پاییز می‌افتاد به مرور می‌گفتند جشن تیرگان شب ولادت مولا علی است.

ماه مبارک رمضان، محرم و صفر: از دیگر برنامه‌های آیینی مراسم عزاداری ایام مذهبی است. از آنجا که ماههای قمری با تقویم شمسی متفاوت است مناسبت‌های مذهبی در سالهای مختلف در حال تغییر است. برخی از مناسبت‌ها در بعضی از سالها در فصل زمستان قرار می‌گیرد. آیین‌های مذهبی عبارتند از آیین ماه مبارک رمضان، ماه محرم و ماه صفر در ماه مبارک رمضان که یک ماه است تهیه سحر و افطاری به عهده زنان است در هنگام افطاری معمولاً فرنی درست می‌کنند و غذاها بیشتر با نان هست اما برای هنگام سحر، غذا پلویی است. که پس از آنکه برنامه مسجد تمام شده که معمولاً تا ده و نیم شب طول می‌کشد آنگاه به فکر درست کردن غذای سحری هستند. و معمولاً پس از افطار به مسجد دهکده می‌روند که هم پرداختن به عبادت و دعاست هم یکی از اوقات فراغت خوب زنان در این ماه است چون هم وقت بیشتری دارند و هم دیدارهای عمومی و اجتماعی کمتر وجود دارد. همین وضع در مورد ماههای محرم و صفر نیز صادق است در ماه محرم و صفر نیز برای هر کدام یک دهه عزاداری به روش سنتی برقرار است که به شیوه سنتی عزاداری می‌کنند.

سفره های نذری: یکی دیگر از برنامه های زنان گذاشتن سفره های نذری است که این کار معمولاً در فصل تابستان گاهی در خانه ها و گاهی در مسجد برگزار می شود و در فصل زمستان به ندرت برگزار می شود.

مویه: هنگام مرگ عزیزان در جلو امامزاده کندلوس کنار غسلخانه (مرده شور خانه) قرار دارد که در هنگام شستن متوفی زنان بر سکوی امامزاده می نشینند و به شیون و زاری می پردازند. در این هنگام موری خوانی یکی از کارهایی است که زنان با خواندن اشعار موزون و مقفی در مدح عزیز از دست رفته می خوانند. شستن و کفن کردن میت توسط زنان انجام می شود. اما کندن قبر و حمل کردن و دفن کردن مردگان به عهده مردان است.

پختن غذای مراسم: در گذشته اگر قرار بود غذایی برای برنامه های دسته جمعی اعم از عروسی یا عزا درست شود، غذاها توسط زنان تهیه و طبخ می شد اما در دهه های اخیر آماده سازی پختن و پذیرایی توسط مردان انجام می شود ولی زنان در شستن ظروف به مردان کمک می کنند به عبارتی در اینگونه مراسم ها کلیه خدمات و پذیرایی از مهمانها توسط مردان انجام می شود.

پوشاک و مدیریت بدن: بیشتر ساکنان فصل زمستان در دهکده کندلوس را بومیان و بویژه افرادی با درآمد پایین و سنتی تشکیل می دهند که در میان این اقشار عموماً مساله پوشاک و آرایش کم رنگ و تابع فرهنگ محلی و عرف روستاست. در انتخاب نوع لباس و رنگ لباسهای زنان و دختران تفاوتهای عمده ای وجود دارد و معمولاً پیرزنان مسن تر لباس های تیره و زنان جوان و دختران لباس های رنگی می پوشند گرچه نوع لباس زنان به شیوه سنتی نیست و تابع فرهنگ روز و جامعه شهری است اما باتوجه به ویژگی های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خانوارها زنان آنچنان تابع مد نیستند که هرچه مد شده است را بپوشند گرچه با مد روز آشنایی کامل دارند اما اقتضای روستا از یک سو و فصل سرمای زمستان و وضعیت اقتصادی خانوار مانع رفتار مدرگرایی همچون زنان شهری را می دهد. لباس ها عمدتاً توسط دختران تهیه می شود که هم برای خود و هم برای مادرشان خریداری می کنند. لباس ها بیشتر از شهرهای نزدیک یعنی چالوس و نوشهر تهیه می شود که به فراخور کارهای دیگر وقتی به شهر می روند خریدن لباس نیز یکی از کارهای آنان است اما اینکه فقط برای خرید لباس به شهر بروند کمتر مشاهده شده است جز برای مراسم خاص همچون عروسی که عروس و داماد برای خرید لباس یک روز خاص را در نظر می گیرند. شیوه دیگر خرید لباس نیز گاهی در فصل تابستان و پاییز دستفروشان به ده می آیند و زنان برخی لباسهای مورد نیاز را از آنها تهیه می کنند همچنین برخی از زنان نیز که خیاط هستند برای خود و دیگران نیز لباسهایی را می دوزند. لباس زنان عموماً بلوز و دامن بلند و شلوار پارچه ای و روسری است. گاهی نیز پیراهن های بلند می پوشند. زنان جوان و دختران، کاپشن و زنان مسن تر بلوزهای دکمه دار و یا پلیور بافتنی می پوشند. کفش های زنان مسن کفش گالاش و کفش زنان جوان و دختران کفش های تولید شده در شهرهاست. به طور کلی مصرف کفش و لباس زنان دو تا سه دست بیشتر نیست که متوسط هزینه سالانه کفش و لباس یک میلیون تا یک میلیون و پانصد می باشد.

نظافت و آرایش: برای نظافت شخصی و حمام کردن در گذشته که حمام دهکده عمومی بوده و هنوز هم برای کارگران و مسافران و برخی از افراد مورد استفاده است. ساعات استفاده قبل اذان صبح هنگام سحر تا طلوع آفتاب مخصوص مردان بوده و از طلوع خورشید تا هنگام غروب آفتاب مورد استفاده زنان قرار داشت. نظافت و حمام بردن بچه های کوچک یعنی تا ۵ سال به عهده زنان بوده و پسر بچه های بزرگتر از این سن همراه پدران به حمام می رفته اند. زنان عمدتاً با بچه ای متشکل از حوله و لباس به حمام می رفتند در داخل حمام اتاقک خاص برای نظافت شخصی وجود داشت و عمدتاً چرک بدن که معمولاً به کمک همدیگر و ماده ای به نام روشور و کیسه های دستی کوچک ضخیم انجام می شد. مصرف سنگ پا نیز بسیار متداول بود. زنان و دختران جوان معمولاً برای ادای احترام کارهای افراد سالخورده را انجام می دادند. در گذشته به فراخور نیاز موملا به هفتگی حمام می رفتند. اما امروزه در اکثر خانه ها حمام شخصی وجود دارد و جملگی از حمام خانگی خود استفاده می کنند و بنا به میل میزان استفاده تعیین می شود. لازم به یادآوری است سوخت حمام عمومی در گذشته هیزم و از دهه ۱۳۶۰ به بعد با آمدن برق بوسیله مشعل و گازوئیل و حمام های خانگی هم عمدتاً آبگرمکن های برقی و برخی نیز از گازهای مایع که به صورت مخزن است می باشد. در فرهنگ سنتی کندلوس آرایش مخصوص زنان جوان بوده و دختران هرگز آرایش نمی کردند و حتی درست کردن ابروان و کشیدن سرمه جنبه تابو داشت اما امروزه بکلی این رفتارها تغییر کرده و همچون سایر جوامع بوسیله لوازم آرایش جدید به پیرایش می پردازند اما در فصل زمستان زنان و دختران بیشتر رفتارهای سنتی بر اساس عرف را انجام می دهند و آرایش ها حداقلی است. معمولاً زنانی مهارت بیشتری برای آرایش کردن دارند به عنوان کمک زنان دیگر را آرایش می کنند و به عنوان شغل محسوب نمی شود. و آرایشگاهی در روستا وجود ندارد و در صورت نیاز به آرایش و اصلاح مو به شهر می روند. مهمترین لوازم آرایش در گذشته سرخاب و سفیداب بود که پودر کرم ماندنی بوده و به صورت می مالیدند و برای چشم سرمه بوده که هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرد. سرمه توسط زنهایی که دارای مهارت بالایی هستند درست می شود که با کره گاوی درست می کنند. نحوه درست کردن آن در بخش صنایع دستی همین مطالعه ارایه شده است. اما امروزه علاوه بر سرمه سایر لوازم آرایش از شهر تهیه می شود. به طور کلی برای آرایش، هزینه ای چندان همچون جامعه شهری ندارند فقط برخی لوازم آرایش ارزان قیمت را تهیه می کنند که به طور متوسط سالانه دویست هزار تومان تا چهارصد هزار تومان هزینه مربوط به آرایش آنهاست.

صنایع دستی: مهمترین صنایع دستی که توسط زنان در فصل زمستان درست می شود عبارتند از بافندگی که نقش بیشتری نسبت به سایر کارها از جمله خیاطی گلدوزی درست کردن سرمه و ... دارد.

بافندگی و پشم رسی: بافندگی اعم از قلاب بافی و یا پنج سیخ از مهمترین کارهای زنان در این فصل است در گذشته پس از آنکه پشم گوسفندان را تراشیدند. ابتدا آن را می شستند پس از خشک شدن، پشم های چسبیده به هم را با وسیله ای به نام شونمه shuneme یعنی شانه مو از هم جدا می کردند. که به این عمل دچکلانین dachkelannian می گویند سپس پشم های باز شده را بوسیله چل و کرپ chelokarp با تاباندن این وسیله که چوبی کوچک مخروطی نصف شده و یک چوب نازک حدود سی سانتیمتر می باشد تبدیل به نخ می کنند و مجددا با همین وسیله نخ را دولا می کنند تا با آن لباسهای زمستانی خود را تهیه کنند این فعالیت های میدل در حال منسوخ شدن است و گاهی توسط برخی از زنان انجام می شود. در گذشته نخ ها را با پوست سبز میوه گردو و یا زغال نخ های سفید را تبدیل به سیاه می کردند که بیشترین مصرف را داشت و برای رنگهای دیگر هم در گذشته از رنگهای گیاهان به صورت طبیعی و در دهه های قبل از رنگهای بازار استفاده می کردند اما امروزه با کاموایی که از شهر تهیه می کنند کار بافندگی را انجام می دهند که حجم زیادی از کار زنان است برخی فقط برای خود و عزیزانشان و برخی نیز جهت فروش به دیگران بافندگی می کنند بیشترین وسیله جوراب و همچنین دستگیره آشپزخانه و همچنین بلوز و شلوار و جلیقه می باشد.

خیاطی: خیاطی نیز یکی از مهارتهای زنان است که البته تعداد کمی این مهارت را دارند ولی عمدتا در خانه خود چرخ خیاطی را جهت برخی از کارها دارند. در سالهای اخیر در فصل تابستان مغازه ای جهت فروش صنایع دستی و خیاطی زنانه فعالیت خود را در روستا آغاز کرده اما نسل جوان با توجه به زیست جهان مدرن از این مهارتها پیروی نمی کند و در سال جدید با توجه به وضعیت کروئایی این مجموعه تعطیل شد.



شکل ۱۱- خیاطی زنان در کندلوس



شکل ۱۰- بافندگی زنان در کندلوس

گلدوزی: گلدوزی یکی دیگر از مهارت هاست که گهگاهی برای نیاز خود انجام می دهند که امروزه در حال منسوخ شدن است. جاجیم بافی و چادرشب بافی در گذشته متداول بوده حدود نیم قرن از آخرین کارگاه بافندگی جاجیم بنام کرچال می گذرد در دو دهه قبل قالی بافی به عنوان یک شغل چند سالی رونق داشت اما امروزه منسوخ شده است.

سرمه سازی: درست کردن سرمه توسط برخی از پیرزنان انجام می شود که هم برای مصرف خود و اطرافیانشان و هم جهت فروش تولید می شود. ساخت سرمه در داخل خانه انجام می دهند به طوری که مقداری کره محلی گاوی^۱ را ابتدا داغ می کنند سپس پارچه ای فتیله مانند از پنبه ای خاص از جنس نخ که فاقد پلاستیک باشد را داخل روغن قرار می دهند و در داخل همان ظرف روغن فتیله را آتش می کنند که مواد آن همان روغن حیوانی است بر روی آن یک کاسه مسی قرار می دهند از دودی که با سوختن روغن حیوانی و فتیله زیر کاسه می بندد آن را تراشیده و به عنوان سرمه در داخل شیشه های کوچک و یا سرمه دان قرار می دهند.^۲

مصرف ارتباطی: در گذشته ها با توجه به اینکه سواد قرآنی وجود داشته مهمترین وسایل ارتباطی نامه بوده که تا حد دو دهه قبل نیز وجود داشته است اما از حدود سی سال پیش که تلفن به عنوان یکی از وسایل ارتباطی وارد دهکده شد این وسیله در کمتر از یک دهه جای خود را به تلفن همراه داده و امروزه کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. اما اپراتور تلفن همراه اول حدود کمتر از دو دهه است که در منطقه فعال شده است قبل از نصب دکل همراه اول گوشی های بی سیم به عنوان تلفن همراه در میان برخی از روستاییان با همان خط تلفن های مستقیم متداول بود که حدود ۲۰ کیلومتر شعاع ارتباطی آن بود اما با آمدن تلفن همراه و موبایل به سرعت جای خود را به این وسیله ارتباطی داده است گرچه ابتدا برخی از مردم برای استفاده آن چندان تمایلی نشان نمی دادند اما در کمترین زمان به عنوان یک وسیله ضروری نقش و اهمیت خود را یافته است. امروزه در فصل زمستان نیز تقریباً جز یکی دو نفر از پیرزنان، سایر ساکنین از تلفن همراه استفاده می کنند و اپراتور همراه اول تنها اپراتور فعال در دهکده است. لذا با توجه به اهمیت این وسیله ارتباطی بسیاری از کارها علاوه بر تماس تلفنی از طریق نرم افزارهای موجود در تلفن همراه از قبیل تلگرام، واتساپ، اینستاگرام نیز مورد استفاده دختران و زنان جوان هست تا جایی که روزانه حداقل سه ساعت از وقت خود را در فضای

۱- علت استفاده کره گاوی به خاطر طبع سرد محصولات گاوی است که برای چشم مفیدتر است
 ۲- شیخ الاسلامی، خدیجه، ۷۴ ساله، تاریخ گفتگو دیماه ۱۳۹۹، محل گفتگو: کندلوس

مجازی با دیدن کلیپ های مختلف و یا ارتباط با دوستان و خویشاوندان می گذرانند لازم به یادآوری است در میان این بومیان هنوز وسایلی همچون کامپیوتر و لپ تاپ علیرغم آشنایی با این امور مورد استفاده نیست برای زنان مسن تلفن همراه فقط جهت تماس و یا پاسخ دادن به تماس استفاده می شود و با سایر قابلیت های آن آشنایی نداشته و حوصله یادگیری آنها را نیز ندارند اما به طور کلی استفاده از اینترنت و گوشی همراه جهت بسیاری از امور در دهکده متداول شده است.

ورزش و تفریح: لازم به یادآوری است با توجه به وضعیت فرهنگی علیرغم اینکه در دهکده کندلوس باشگاه ورزشی وجود دارد هنوز استفاده از آن « حتی در فصل تابستان برای بانوان رایج نشده است. و تقاضای چندانی نیز وجود ندارد. اوقات فراغت ها به لحاظ فرهنگی بیشتر مردانه است و زنان به طور کلی بسیار کم بهره اند. مسافرت به عنوان تفریح کمتر در میان زنان مشاهده می شود اما سفر زیارتی دسته جمعی زنان گاهی هم خانوادگی به مشهد مقدس در میان بومیان مشاهده می شود و در سال جاری به علت وضعیت کرونایی کشور سفرهای مختلف انجام نشده است.^۱

۵- نتیجه گیری

به طور کلی تغییرات و تحولات اخیر در زندگی مدرن تاثیرات فراوانی داشته است. رفتارهای روزمره امروز شباهت بسیار کمی با گذشتگان دارد که جملگی متأثر از اثرات جهانی شدن فرهنگ است. مهاجرت از روستا به شهر در دهه های اخیر و همچنین آشنایی روستاییان با ابزارهای مدرن و زیر بنایی همچون، برق، تلفن، اینترنت، ماهواره مهمترین علت تغییرات جامعه کندلوس بوده است. از طرفی در سال ۱۳۶۶ مجموعه فرهنگی جهانگیری که به همت دکتر علی اصغر جهانگیری شروع به کار کرده است. به عنوان مجموعه ای گردشگری پای مسافر و گردشگری به این دهکده تاریخی باز شده است از آنجا که بسیاری از اقدامات و فعالیت های توسعه ای در بخش فرهنگ در کل کشور نیز از سیاستگزاری فرهنگی درستی برخوردار نبوده است به سرعت زمینه تغییرات را در روستا ایجاد کرده است به عبارتی هنوز پس از سه دهه معیشت مردم از حالت سنتی مبتنی بر کشاورزی و دامداری به گردشگری تغییر نیافته است و نه تنها کندلوس توسعه گردشگری نیافته است بلکه به عنوان یک تولید کننده به مصرف کننده تبدیل شده است مهمترین شغل که از فراوانی بالایی برخوردار است کارهای خرید و فروش ملک و کارهای ساختمانی است. بیش از هفتاد درصد از زمین های منطقه زیر کشت ویلا رفته اند. تعداد ۱۰ نفر در مجموعه فرهنگی کندلوس در فصل گرم سال مشغول کار می باشد که در فصل زمستان مجموعه تعطیل است. و زندگی مردمان این دیار در خود روستا نیز همچون جامعه شهری است. در سال ۱۳۷۱ بر اساس پژوهشی که نگارنده انجام داده است تعداد ۵۳ خانوار و تعداد ۲۵۶ نفر از مردم در فصل زمستان در روستا زندگی می کردند که این عدد پس از گذشت حدود سه دهه علیرغم داشتن امکانات زیست از جمله آب و برق و جاده و سوخت نفت و اشتغال به شیوه سنتی و جدید در سال ۱۳۹۹ تعداد ۵۴ نفر در دهکده زندگی می کنند که ۳۱ نفر را زنان تشکیل می دهند تقریباً حدود نود درصد این جمعیت از روی ناچاری و نوع زیست و معیشت مجبور به ماندن در روستا گردیدند. حیات و پویایی این سبک از زندگی از رونق خاصی برخوردار نیست و در حال افول است. زنان که بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند به طور کلی بیشتر زنان مسن و پیرزنانی هستند که بر اساس فرهنگ بومی و محلی در روستا زندگی می کنند زنان و دختران جوان همچون سایر جوامع از پیشقراولان تغییر هستند بیشتر زنان علاوه بر کارهای خانه سایر کارهای بیرون از منزل را نیز انجام می دهند. تعداد کمی از زنان نیز صرفاً خانه دار و خوش نشین هستند و امکانات زیست آنها در منزل همچون خانه های امروزی در شهرهاست. برخی از زنان نیز خانه دار و دامدار هستند که به تنهایی به همه امور می پردازند. به طور کلی فرهنگ حاکم علیرغم تغییرات انجام شده مردسالارانه است گرچه زنان امروزه از رفاه نسبی برخوردار هستند اما امکاناتی متناسب با اوقات فراغت زنان در دهکده وجود ندارد بیشتر اوقات فراغت آنان با فضای مجازی و ارتباطی است بخشی نیز به دور هم نشینی و پیاده روی می گذرد. مهمترین کار فراگیر علاوه بر کارهای منزل یافتگی است که اکثر زنان به این کار با نگاه استفاده از زمان مشغول فعالیت اند زنان همچون مردان حتی در فصل های دیگر هم امکان استفاده از طبیعت گردی و تفریحات را ندارند که بیشتر مسئله نگاه سنتی به زنان و امنیت آنان است. به طور کلی با توجه به دانش بومی زنان همواره از دیرباز نقش مدیریت خانه را به عهده داشته اند و ریاست خانه به عهده مردان بود که هنوز در خانواده های سنتی مشاهده می شود اما این وضعیت به همان دلایل ذکر شده در حال تغییر شکل دادن است و زنان به تاسی از فرهنگ مدرن و جامعه شهری نقش ریاست خانه را به جای مدیریت به عهده می گیرند و این تفکر کم کم در میان نسل جوان متداول است اما در میان سالخوردگان بشدت متفاوت است و این شکاف فرهنگی در حوزه زنان بخوبی مشهود است. به طور کلی می توان گفت جمعیت زنان بومی فصل زمستان در کندلوس علیرغم همه تحولات و تغییرات مدرن هنوز بخشی از رفتارهایشان متأثر از فرهنگ گذشته است. زنان خانه دار درآمد خاصی ندارند اما بسیاری از مردان درآمدهای خانواده را در اختیار زنان قرار می دهند و هزینه ها با مشورت هم انجام می شود. لازم به یادآوری است که در فصل تابستان اهالی شهر نشین به روستا می آیند. هژمونی فرهنگ روستایی در زنانی که در شهر زندگی می کرده اند نیز اثر گذاشته و بسیاری از رفتارهایشان از جمله پوشش و مدیریت بدن تحت تاثیر عرف روستاست و متقابلاً زنان بومی نیز در حوزه های مختلف

زندگی تحت تاثیر رفتارهای زنان شهرنشین قرار می گیرند و این تاثیر و تاثرات دوسویه در گذر زمان به خوبی مشهود است. ضمن آنکه مهمترین زمینه های تغییر از طریق ماهواره ها و رسانه های ارتباطی است اما تغییرات فردی امری ثانویه است.

منابع

۱. اباذری، یوسف و حسن چاوشیان (۱۳۸۱) از طبقه تا سبک زندگی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، پائیز و زمستان.
۲. انگلیس، دیوید، (۱۳۹۹) فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه جانان نجفی و علی باصری، اندیشه احسان،
۳. بارکر، کریس (۱۳۹۱)، مطالعات فرهنگی، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۴. بنت، اندی، (۱۳۸۶) فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، چاپ اول، نشر اختران تهران
۵. جلالی کندلوس، فرهود، (۱۳۷۰) پژوهش مونوگرافی دهکده کندلوس با تکیه بر همیاری های سنتی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۶. جنگ، عباس (۱۳۹۵) تبیین الگوهای جهانی شدن و مصرف و زندگی روزمره- فصل نامه علمی، پژوهشی کاوشهای مدیریت بازرگانی؛ سال هشتم، ش ۱۵
۷. جهانگیری، علی اصغر (۱۳۶۷) روایت مستند رنج و گنج، تهران: موسسه فرهنگی جهانگیری
۸. جهانگیری، علی اصغر (۱۳۶۷)، کتاب کندلوس، تهران: نشر موسسه فرهنگی جهانگیری.
۹. سارانتاکوس - ۱۹۹۳ صفحه ۲۶۶ و ۲۶۵ به نقل از ایمان ۱۳۹۰
۱۰. فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه و نظریه های انسانشناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۷
۱۱. کاظمی، عباس (۱۳۹۲)، پرسه زنی و زندگی روزمره ی ایرانی، تهران، فرهنگ جاوید.
۱۲. لاجوردی، هاله، (۱۳۸۴) مقاله نظریه های زندگی روزمره- نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶
۱۳. مجیدزاده، محسن (۱۳۸۵). آیین های باستانی، تهران: پژوهش های فرهنگی.
۱۴. وثوقی، منصور، جامعه شناسی روستایی، انتشارات کیهان، چاپ پانزدهم.
۱۵. گفتگو با خدیجه شیخ الاسلامی - ۷۳ ساله - ساکن کندلوس - دیماه ۱۳۹۹